

بهره‌برداری از سد ایلیسو در ترکیه و موازین حقوق بین‌الملل آب

علی نواری^۱

دریافت: ۱۳۹۶/۹/۱۰ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶

چکیده

رودخانه‌های بین‌المللی که از قلمروی سرزمینی دولت‌های مختلف عبور می‌کنند، در معرض اعمال اصل حاکمیت سرزمینی آن‌ها قرار می‌گیرند. بهره‌برداری از این رودخانه‌ها و اجرای طرح‌های توسعه‌ای در مورد آن‌ها از سوی هر یک از دول ساحلی، آثاری به دنبال خواهد داشت که ممکن است حقوق و منافع سایر دولت‌های ساحلی را تحت تاثیر قرار دهد. به منظور جلوگیری از بروز اختلاف بین دولت‌ها، قواعد نظام حقوق بین‌الملل در زمینه رودخانه‌های بین‌المللی به تنظیم مناسبات حقوقی بین دول ساحلی این رودخانه‌ها پرداخته است. دولت ترکیه در قالب اجرای پروژه آتاتولی جنوب شرقی اقدام به طراحی و احداث سد ایلیسو بر روی رودخانه دجله نموده است. آغاز فعالیت این سد در آینده سبب خواهد شد که میزان جریان آب ورودی از رودخانه دجله به سرزمین دولت‌های پائین دستی سوریه و عراق کاهش یابد. آثار منفی ناشی از این کاهش، به طور غیرمستقیم در گسترش مناطق خشک و بیابانی و تشدید پدیده ریزگردها به ویژه در ایران، نقش مهمی ایفا می‌نماید. این مقاله به بررسی جلوه‌هایی از تعهدات بین‌المللی دولت ترکیه در فرایند بهره‌برداری از سد ایلیسو پرداخته است.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل، رودخانه‌های بین‌المللی، سد ایلیسو، ریزگردها، آب.

مقدمه

بی تردید آب در زمره منابع بی‌بدیل و گرانبهای گیتی است که استمرار و دوام حیات بشر و هر موجود زنده‌ای، وابستگی بلاانقطاعی به آن دارد. باوجود اینکه حجم معتابهی از کره خاک در سیطره این مایع حیاتی قرار گرفته است، اما در این میان آب شیرین سهم بسیار ناچیزی از این گستره آبی را به خود اختصاص می‌دهد که گاه دسترسی به این میزان اندک نیز با دشواری و صعوبت‌هایی همراه است. این واقعیت تلخ در کنار رشد فزاینده جمعیت و تحول در الگوهای مصرف، منجر به افزایش چشمگیر نیاز به آب در قرن کنونی شده است.^۱

تقابل قَلت منابع آب شیرین از یک‌سو و تقاضای روزافزون بشر به آن از سوی دیگر، سبب تشدید رقابت و درگیری بین برخی از دولت‌هایی شده است که رودخانه‌های بین‌المللی در قلمروی سرزمینی آن‌ها جریان دارد. مرکز ثقل این نوع منازعات؛ نحوه تقسیم آب و تعیین میزان حقا به هر یک از دولت‌های ساحلی رودخانه بین‌المللی است. در فراز و فرود تاریخ، کشورهای بالادستی به فراخور منافع خود همواره خواهان اعمال حاکمیت مطلق در بهره‌برداری از رودخانه‌های بین‌المللی بوده‌اند درحالی‌که کشورهای پائین‌دستی اغلب خواستار جریان طبیعی آب رودخانه و عدم انحراف آن از سوی کشورهای بالادستی شده‌اند. به‌موازات این دیدگاه، استفاده مشترک از آب رودخانه‌های بین‌المللی و محدودیت استفاده آزاد آن‌ها نیز مطرح شده است. این کشمکش در دیدگاه‌ها که نشانه‌های طرفداری از هر یک از آن‌ها را می‌توان در آثار حقوق‌دانان بین‌المللی نیز مشاهده نمود سرانجام در نظام حقوق بین‌الملل معاصر با استقرار اصل حاکمیت سرزمینی محدود و بهره‌برداری معقول و منصفانه از رودخانه‌های بین‌المللی، فیصله یافته است.

در رابطه با رودخانه‌های بین‌المللی و مشترک بین کشورها، سدسازی ممکن است مسائل اختلاف‌برانگیزی را پیش آورد. اگرچه کشوری که به‌عنوان یک کشور بالادستی به روی

۱. بان کی مون: «کمبود آب، منافع اقتصادی و اجتماعی را تهدید می‌کند و منبع بالقوه جنگ‌ها و درگیری است» کوفی‌انان - «رقابت شدید بر سر آب شیرین ممکن است عاملی برای درگیری و جنگ در آینده باشد».

United Nations University, Former National Leaders: Water a Global Security, available at: <https://unu.edu/media-relations/releases/water-called-a-global-security-issue.html>, Issue.

یک رودخانه پی‌درپی سد احداث نماید به منافع زیادی دست می‌یابد، اما از طرف دیگر چون آب کشور یا کشورهای مجاور را دچار کمبود یا فقدان می‌نماید، طبعاً بین آن‌ها مسائل و بحران‌هایی را ایجاد می‌کند که خود قابل بحث و تأمل است و برای جلوگیری یا کاهش چنین بحران‌هایی نیاز به انعقاد موافقت‌نامه‌های مرضی‌الطرفین و رعایت اصول حقوق بین‌الملل در مورد بهره‌برداری از آبراه‌های مشترک می‌باشد (موسوی، ۱۳۸۹: ۷۸-۷۷).

بهره‌برداری از سد ایلیسو در قالب پروژه آناتولی جنوب شرقی از سوی دولت ترکیه آثار منفی محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی مختلفی به صورت مستقیم و غیرمستقیم برای کشورهای همسایه به دنبال خواهد داشت. مهم‌ترین تأثیر احداث این سد، کاهش میزان جریان آبی است که به کشورهای سوریه و عراق وارد می‌شود. این امر، سبب تشدید بیابان‌زایی، فرسایش زمین و خشک شدن بیشتر تالاب‌ها به‌ویژه تالاب هورالهویزه در عراق خواهد شد که یکی از کانون‌های اصلی بروز پدیده ریزگردها در ایران است. علاوه بر این، تأثیر بر کیفیت آب اروندرود، از بین رفتن برخی بناهای تاریخی، جابجایی اجباری جمعیت و آسیب جدی به کشاورزی و دامداری در کشورهای سوریه و عراق را نیز می‌توان در زمره دیگر آثار قابل پیش‌بینی در بهره‌برداری از این سد، تلقی نمود. در میان آثار مخرب احتمالی برشمرده شده ناشی از آبگیری سد ایلیسو، تشدید پدیده ریزگردها در کشورمان حائز کمال اهمیت است.

در این راستا، سؤال اصلی که ممکن است مطرح شود آن است که دول ساحلی بالادست رودخانه‌های بین‌المللی تا چه میزان مجاز خواهند بود به منظور بهره‌برداری از آب‌های این نوع رودخانه‌ها در قالب تاسیس سد بر میزان جریان آب دریافتی دول ساحلی پائین دست تأثیر منفی بگذارند؟ به عبارت دیگر، رعایت چه موازینی از حقوق بین‌الملل از سوی دول ساحلی در بهره‌برداری از طرح‌های آبی بر روری رودخانه‌های بین‌المللی، ضرورت دارد؟ پاسخ به این پرسش، جنبه‌های مبهم حقوقی این موضوع را روشن‌تر می‌سازد.

در این مقاله تلاش شده است پس از اشاره به آب‌شناسی رودخانه‌های دجله و فرات، پیشینه تحولات آن‌ها تشریح گردد. پس از آن، پروژه آناتولی جنوب شرقی و آثار بهره‌برداری از سد ایلیسو مورد مطالعه قرار گرفته است. در ادامه نیز بهره‌برداری از سد ایلیسو

در چارچوب حقوق بین‌الملل آب از ابعاد مختلف مورد واکاوی قرار گرفته است.

۱. آب‌شناسی دجله و فرات^۱ و پیشینه تحولات این حوضه

دو رود دجله و فرات در زمره بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رودخانه‌های بین‌المللی خاورمیانه محسوب می‌شوند و مطابق یک وفاق عام در میان باستان‌شناسان، بین‌النهرین به‌عنوان گهواره تمدن^۲ معرفی شده است. دجله؛ رودخانه‌ای به طول تقریبی ۱۸۴۰ کیلومتر (Kolars & Mitchell, 1991: 3) و دارای حوضه‌ای به مساحت ۲۲۱ هزار کیلومتر مربع است که از بخش جنوب شرقی ترکیه از رشته کوه‌های توروس سرچشمه می‌گیرد و در ۴ کشور ترکیه، سوریه، عراق و ایران گسترده شده است. مساحت حوضه آبریز رودخانه دجله به ترتیب در ترکیه ۵۴۱۴۵ کیلومتر مربع، در سوریه ۱۱۰۵ کیلومتر مربع، در عراق ۱۲۳۷۶۰ کیلومتر مربع و در ایران ۴۱۹۹۰ کیلومتر مربع است. کشور ترکیه در تولید ۴۵ درصد رواناب جریان رودخانه دجله، سهم است (UN-ESCWA & BGR, 2013: 6). میانگین آبدهی سالانه دجله حدود ۵۲ میلیارد مترمکعب است که حدود ۲۱ میلیارد مترمکعب آن از ترکیه وارد عراق می‌شود (The Bleu Peace, 2011: 28). شاخه‌های ورودی به این رودخانه در عراق (زاب بزرگ، زاب کوچک، العظیم، دیالی (سیروان) و سایر رودخانه‌های کوچک) در مجموع حدود ۲۸ میلیارد متر مکعب دیگر رواناب به دجله می‌افزایند. جریان رودخانه دجله به سمت جنوب و اولین شهر اصلی که به آن می‌رسد موصل است؛ رودخانه زاب بزرگ در ۶۰ کیلومتری جنوب موصل به دجله می‌پیوندد و در قسمت جنوبی تر لیزرزاب در فتا به دجله می‌پیوندد. آخرین انشعاب اصلی رودخانه دیالا در جنوب بغداد است که به دجله می‌پیوندد.

رودخانه فرات نیز، طولانی‌ترین رودخانه در جنوب غرب آسیاست که طول تقریبی آن ۲۷۰۰ تا ۳۰۰۰ کیلومتر تخمین زده می‌شود. کاراسو و مرات سو مهم‌ترین شاخه‌های این رود در ترکیه می‌باشند و در سوریه نیز دو شاخه به نام‌های خابور و بالیق به آن می‌پیوندند که منشأ آن‌ها در ترکیه واقع شده است؛ در حقیقت، ۸۸ درصد از آب رودخانه فرات از ترکیه سرچشمه می‌گیرد. میانگین آبدهی سالانه فرات حدود ۳۵/۶ میلیارد متر مکعب است

1. Tigris and Euphrates.
2. The Cradle of Civilization.

(مختاری‌هشی و قادری حاجت، ۱۳۸۷: ۶۲ - ۳۳۵- ۳۳۴: Kirschner & Tiroch, 2012).
از آنجا که سرچشمه دجله و فرات در خاک ترکیه است، این کشور کنترل آبی را که وارد عراق می‌شود، در دست دارد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۶۵).

در گذشته و در دوران باستان نیز نزاع بر سر منابع آبی مشترک وجود داشته است. دو دولت شهر اوما^۱ و لگش^۲ در بین‌النهرین نیز ۵۰۰۰ سال پیش با یکدیگر برای تأمین آب جنگیده‌اند (McCaffrey, 2007: 60-59). از قرن ۱۶ تا سال ۱۹۱۸، فرات و بخش عظیمی از دجله تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی بود. در این دوران معاهداتی با امپراتوری پارس در خصوص موضوعات مرزی و کشتیرانی در دجله منعقد گردیده است (Kirschner & Tiroch, 2012: 341). در ۲۳ دسامبر ۱۹۲۰ کنوانسیون بین فرانسه و بریتانیا منعقد گردید که در ماده ۳ آن در خصوص بهره‌برداری از دجله و فرات به تأسیس یک کمیسیون اشاره شده بود.

دولت عراق در سال ۱۹۱۳ سد الهندیه^۳ را به منظور انحراف آب فرات احداث نمود. با رشد جمعیت، توسعه اقتصادی و شهرنشینی در سه کشور ساحلی دجله و فرات (ترکیه، سوریه و عراق) راهبردهای توسعه‌ای وابسته به منابع آبی مورد توجه قرار گرفت و طرح‌های ذخیره‌سازی، جایگزین طرح‌های انحراف آب گردید. دولت ترکیه اقدام به ساخت تعداد زیادی سد در بالادست دجله و فرات نموده است که می‌تواند تهدیدی جدی بر جریان آب پائین دست کشورهای سوریه و عراق باشد. بین سال‌های ۱۹۲۳ تا ۱۹۵۰ ترکیه ۳ سد احداث نمود، در دهه ۱۹۶۰ نیز ۶ سد دیگر به شمار آن‌ها افزوده شد، اما اوج این سدسازی‌ها در دهه ۱۹۹۰ میلادی رخ داد (Swain, 2004: 86). ماده ۱۰۹ معاهده لوزان ۱۹۲۳، اشاره مختصری به مدیریت منابع آب مشترک نموده است.^۴ ترکیه در این معاهده متعهد شده است حقوق

1. Umma.

2. Lagash.

3. Al-Hindiya Dam.

۴. ماده ۱۰۹ معاهده لوزان اشعار می‌دارد: «در صورت فقدان هر گونه مقرر مغایر، زمانی که در نتیجه احداث یک سیستم جدید آبی مرزی (کانال‌کشی، سیلاب، آبیاری، شبکه فاضلاب یا موارد مشابه، نظم و جریان آب‌ها در یک کشور به فعالیت‌های دولت دیگر وابسته شود یا اگر برحسب سابقه استفاده قبل از جنگ، از آب‌هایی که در سرزمین یک دولت جمع و روان می‌شوند، دولت دیگری بهره‌گیر و یا نیروی آبی تولید کند، باید بین دولت‌های ذینفع به گونه‌ای سازش و تفاهم برقرار شود که منافع و حقوق مکتسبه هریک محفوظ و در امان بماند. در صورت فقدان وجود توافق، موضوع باید از طریق داوری حل و فصل شود.»

مکتسبه پیش از فروپاشی امپراتوری عثمانی را محترم بشمارد. بین سال‌های ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۰، فرانسه و ترکیه موافقت‌نامه‌های متعددی را منعقد نمودند که برخی از آن‌ها مقرراتی در خصوص استفاده از دجله و فرات داشت.^۱ معاهده ۱۹۳۰ حلب^۲، حق سوریه را نسبت به دجله مورد تأکید قرار داده است. در ۲۹ مارس ۱۹۴۶ نیز معاهده دوستی و حسن هم‌جواری بین دولت ترکیه و عراق^۳ مشتمل بر ۶ پروتکل^۴ در آنکارا منعقد گردید که پروتکل شماره ۱ آن به تنظیم و توسعه آب‌های دجله و فرات اشاره نموده است، اگرچه پروتکل مذکور اجرایی نشده است. سوریه و عراق نیز در سال ۱۹۶۲ کمیته فنی مشترکی برای تسهیل تقسیم آب دجله و فرات تأسیس نمودند.

در دهه ۱۹۶۰ ترکیه و سوریه اقدام به طراحی چندین طرح آبی با مقیاس وسیع بر روی دجله و فرات نمودند و ترکیه در سال ۱۹۷۴ سد کبان^۵ را با حمایت ایالات متحده بر روی فرات احداث نمود و سوریه نیز سد الطبقة^۶ را با کمک اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۹۷۳، مورد بهره‌برداری قرار داد (Swain, 2004: 87) دولت عراق نیز اقدام به ساخت سد الحدیثه^۷ در سال ۱۹۷۷ نمود.

قطع جریان رودخانه فرات در راستای انجام پروژه آناتولی جنوب شرقی سبب شد دو کشور سوریه و عراق خواستار انعقاد موافقت‌نامه سه‌جانبه در خصوص میزان آب ورودی به این کشورها از سوی ترکیه شوند. در ۱۷ جولای ۱۹۸۷ دولت ترکیه و سوریه پروتکل موضوعات مربوط به همکاری اقتصادی^۸ را منعقد نمودند. پاراگراف ۶ تا ۱۰ این سند مربوط به مسائل آبی است؛ بر اساس پاراگراف ۶ این پروتکل، ترکیه متعهد شده است که حبابه‌ای به میزان ۵۰۰ مترمکعب در تائیه آب به سمت سوریه و عراق رهاسازی نماید (دولت عراق بارها از ترکیه

۱. ماده ۱۲ معاهده ۱۹۲۱ آنگورا، ماده ۱۳ معاهده ۱۹۲۶ دوستی و حسن هم‌جواری بین فرانسه و ترکیه.

2. Aleppo Treaty.

3. Treaty of Friendship and Neighbourly Relations between Iraq and Turkey.

۴. پروتکل اول مربوط به تنظیم آب دجله و فرات و انشعابات آن، پروتکل دوم مربوط به همکاری متقابل در مسائل امنیتی، پروتکل سوم در مورد همکاری در موضوعات آموزشی، تربیتی و فرهنگی، پروتکل چهارم در مورد ارتباطات پست و تلگراف و تلفن، پروتکل پنجم در مورد مسائل اقتصادی و پروتکل ششم در مورد مرز.

5. Keban Dam.

6. Tabqa Dam.

7. Alhaditha Dam.

8. Protocol on Matters Pertaining to Economic Cooperation between Turkey and the Syrian Arab Republic.

خواسته است حقبه فرات را به ۷۰۰ متر مکعب در ثانیه افزایش دهد اما ترکیه آن را نپذیرفته است). در ۱۷ آوریل ۱۹۹۰ نیز دولت سوریه و عراق در قالب صورت‌جلسه‌ای مشترک^۱ به توافق رسیدند که سوریه ۴۲ درصد و عراق ۵۸ درصد از جریان سالانه فرات را دریافت کنند (پاراگراف ۱ صورت‌جلسه مربوط به تقسیم موقتی آب‌های رودخانه فرات). اما در خصوص دجله، هیچ‌گونه توافقی‌نامه‌ای بین این ۳ کشور منعقد نشده است. دولت سوریه در سال ۲۰۰۲ با عراق یک موافقت‌نامه و در سال ۲۰۰۹ با ترکیه یادداشت تفاهمی برای ایجاد ایستگاه پمپاژ آب رودخانه دجله منعقد نموده است. همچنین دولت ترکیه در سال ۲۰۰۹ یادداشت تفاهم‌هایی با سوریه و عراق در زمینه استفاده مؤثر از آب و مبارزه با بیابان‌زایی منعقد نموده است.

۲. پروژه آناتولی جنوب شرقی^۲ و آثار بهره‌برداری از سد ایلیسو^۳

پروژه آناتولی جنوب شرقی، یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های عمرانی مربوط به آب در کشور ترکیه است که مساحتی در حدود ۷۵۰۰۰ کیلومتر مربع و ۹ استان (آدیامان، باتمان، دیاربکر، غازی‌عینتپ، کیلیس، ماردین، سیرت، شانلی‌اورفه و شرناق) منطقه جنوب شرقی ترکیه را در برمی‌گیرد. هدف این پروژه مدیریت مؤثر منابع آب برای توسعه کشاورزی و تولید برق آبی عنوان شده است. شاید بتوان پیشینه این پروژه را به دستور آتاتورک در سال ۱۹۳۶ در خصوص تأسیس مرکز مطالعات برق در قالب پروژه کبان نسبت داد که طرح جامع آن در سال ۱۹۸۹ ارائه شد و در سال ۲۰۰۲ این طرح مورد بازنگری قرار گرفت. این پروژه شامل ساخت ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه با حجم ذخیره تقریبی ۱۲۲ میلیارد مترمکعب است که توان تولید حدود ۲۷ میلیارد کیلووات ساعت برق در سال و آبیاری حدود ۱/۸ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی را داراست. از سال ۱۹۹۱ تاکنون ۸ سد بزرگ و ۸ نیروگاه برق آبی در قالب طرح آناتولی جنوب شرقی بر روی رودخانه دجله احداث شده یا در حال احداث است (سد گرکسو با حجم مخزن ۶۰۰ میلیون مترمکعب، سد کراکیزی با حجم مخزن ۱۹۰۰ میلیون کیلومتر مکعب، سد دجله با حجم مخزن ۶۰۰ میلیون مترمکعب، سد باتمان با حجم

1. Joint Minutes Concerning the Provisional Division of the Waters of the Euphrates River.
2. Güneydoğu Anadolu Projesi (GAP).
11. Ilisu Dam.

مخزن ۱۲۰۰ میلیون مترمکعب، سد گارزان با حجم مخزن ۲۰۰ میلیون مترمکعب، سد آلکومرا با حجم مخزن ۴۴۰ میلیون مترمکعب، سد ستین با حجم مخزن ۶۱۰ میلیون مترمکعب، سد دینی با حجم مخزن ۹۵۰ میلیون مترمکعب، سد ایلسو با حجم مخزن ۱۰۵۰۰ میلیون مترمکعب و سد سیلوان با حجم مخزن ۷۰۰ میلیون مترمکعب). سد ایلسو در فاصله ۴۵ کیلومتری مرز ترکیه با سوریه در منطقه‌ای کردنشین با حجم ذخیره حدود ۱۰/۴ میلیارد مترمکعب و ظرفیت تولید ۱۲۰۰ مگاوات نیروی برق و مساحت سطح حدود ۳۱۳ کیلومتر مربع، یکی از این سد‌هاست که عملیات اجرایی آن در سال ۲۰۰۶ آغاز شده است. انتظار می‌رود که این سد هر سال حدود ۳۸۰۰ گیگاوات ساعت، برق تولید نماید. طول این سد ۱۸۲۰ متر و ارتفاعی حدود ۱۳۵ متر دارد و انتظار می‌رود این سد در سال ۲۰۱۹ آماده بهره‌برداری شود. عملیات احداث این سد از ۳۵ سال پیش در دستور کار قرار گرفته بود اما به دلیل جنجال‌های گسترده تا مدتی متوقف گردید.^۱

دولت ترکیه مدعی است که در چارچوب این طرح، نه تنها برق و آب برای توسعه کشاورزی تأمین شده و سیلاب‌ها کنترل خواهند شد، بلکه امکانات بسیاری مانند جاده، راه‌آهن، فرودگاه، جاذبه گردشگری، کارخانه، بیمارستان، مدرسه و امکانات نوین برای بچه‌ها و زنان فراهم می‌شود و از مهاجرت مردم نیز جلوگیری خواهد شد (تقی‌ملایی، ۱۳۹۵: ۱۶). از همین رو، همکاری برخی از سازمان‌های بین‌المللی نظیر بانک جهانی، سازمان خواروبار و کشاورزی و اتحادیه اروپا را به دنبال داشته است و ترکیه این طرح را در راستای توسعه انسانی پایدار مطرح نموده است. دولت ترکیه معتقد است، یک پروژه توسعه‌ای به معنای رشد اقتصادی است. در خصوص جنوب شرقی ترکیه، احداث و تولید برق اضافی منجر به افزایش سطوح درآمدی و فرصت‌های جدید برای منطقه‌ای می‌شود که بسیار به آن نیازمند است.^۲ با این حال، به نظر می‌رسد هدف اصلی طرح جامع آاناتولی جنوب شرقی، تبدیل منطقه به مرکز صادرات کشاورزی است. از کشورهای آلمان، سوئیس و اتریش به‌عنوان حامیان مالی این طرح یاد می‌شود که به دنبال اعتراضات گسترده سوریه و عراق و عدم رعایت حقوق کشورهای پائین دست از سوی ترکیه، این کشورها در سال ۲۰۰۹ اعلام نمودند،

1. See: <http://www.gap.gov.tr/en> > Last Consulted: January 19, 2018.

2. See: <http://www.mfa.gov.tr/ilisu-dam.en.mfa> > Last Consulted: January 19, 2018.

حمایت مالی خود از این طرح را متوقف نموده‌اند.

کشور سوریه بر روی خط مرزی به طول ۴۴ کیلومتر از رودخانه دجله بهره‌مند می‌شود و با توجه به موقعیت بالادستی نسبت به عراق، به نظر می‌رسد احداث سد ایلیسو مشکلی زیادی برای این کشور ایجاد ننماید. به نظر می‌رسد دجله نقش مهمی در طرح‌های توسعه آبی سوریه ایفا نمی‌نماید اگرچه سوریه اخیراً طرح‌های مطالعاتی برای استفاده از آب دجله انجام داده است (Kirschner & Tiroch, 2012: 339). اما مخزن سد ایلیسو در صورت آبیگری ۵۲ روستا و ۱۵ شهر کوچک از جمله شهر تاریخی حسن‌کیف که شامل بناهای تاریخی مربوط به دوران آشوری و عثمانی با ۱۲۰۰۰ سال قدمت است را زیر آب خواهد برد.^۱ البته دولت ترکیه در اظهار نظر رسمی خود، این ادعا را رد کرده است.^۲ بهره‌برداری از این سد سبب خواهد شد که جریان آب ورودی به عراق از ترکیه از طریق دجله از ۲۱ میلیارد متر مکعب به ۱۰ میلیارد متر مکعب کاهش یابد. همچنین ۷۰۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی عراق نیز از آبیاری محروم خواهند شد؛ ضمن اینکه با آب‌گیری مخزن سد ایلیسو، آب دجله برای مدت چند ماه قطع خواهد شد. همچنین بهره‌برداری از این سد موجب جابجایی اجباری جمعیت و بی‌خانمان

۱. دولت ترکیه مدعی است که برنامه گسترده‌ای به منظور حفاظت از اموال فرهنگی از جمله شناسایی مراکز فرهنگی و حفاری و کشف آثار باستانی در منطقه حسن‌کیف (Hasankeyf) و انجام حفاری برای بررسی آثار باستانی در منطقه آناتولی جنوب شرقی، در دست اجرا دارد. منطقه آناتولی شرقی میزبان تمدن‌های مختلفی در دوران گذشته بوده است. با توجه به گره خوردن اندیشه حمایت از اموال فرهنگی با منازعات مسلحانه در سطح بین‌المللی، اسناد و مقررات بین‌المللی خاصی که صرفاً به زمان صلح اشاره داشته باشد، چندان چشمگیر نیست اما نباید از این مطلب غافل شد که حتی در اسنادی که به تدوین قواعد و رسوم جنگ در این حوزه می‌پرداختند در مقدمه با توصیه‌نامه‌های آن‌ها ضرورت حمایت از اموال فرهنگی واجد ارزش و اهمیت در زمان صلح نیز بسیار تأکید شده است. اولین سند بین‌المللی در زمینه حمایت از اموال فرهنگی در زمان صلح، پیمان روریچ ۱۹۳۵ بود و علاوه بر آن، کنوانسیون ۱۹۷۲ در خصوص حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی سعی در ارائه حمایت بیشتر از اموال فرهنگی در زمان صلح دارد. دولت ترکیه در سال ۱۹۸۳ این کنوانسیون را تصویب نموده است. برای مطالعه تفصیلی ر.ک: فریدون، جعفری، (۱۳۹۱)، «حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، مجموعه مقالات همایش حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در حقوق بین‌الملل، تهران، شهر دانش، صص ۲۴۱-۲۲۱.

۲. در سایت وزارت امور خارجه دولت ترکیه در ارتباط با این ادعا چنین توضیح داده شده است:

«اینکه ادعا شده است که ۱۵ شهر و ۵۲ روستا در اثر بهره‌برداری از سد زیر آب می‌روند، گمراه‌کننده است. حسن‌کیف که شهر کوچکی است، تنها نقطه‌ای است که تحت تأثیر قرار می‌گیرد و بخش‌های پست شهر پر از آب می‌شوند. قلعه باستانی این منطقه بیرون از آب قرار خواهد گرفت. باستان‌شناسان و پژوهشگران از ترکیه و چند کشور دیگر در حال کار بر روی پروژه‌ای در جهت حفاری، ثبت و ضبط و حراست از اموال فرهنگی تا حد ممکن هستند.»

http://www.mfa.gov.tr/ilisu-dam.en.mfa > Last Consulted: January 19, 2018.

شدن حدود ۸۰ هزار نفر از ساکنان این منطقه خواهد شد. دولت ترکیه در اظهار نظر رسمی خود این ادعا را نیز نپذیرفته است.^۱ وجود پروژه‌های آبیاری بالادستی قبل از سد ایلیسو نیز منجر به کاهش قابل توجه آب رودخانه دجله شده است که مشکلات عدیده‌ای را برای مردم عراق ایجاد خواهد کرد.^۲

بدون تردید، کاهش جریان آب ورودی دجله به عراق، در تأمین آب تالاب مشترک هورالهویزه - هورالعظیم در سمت عراق و باعث خشک شدن هرچه بیشتر سطح تالاب در بخش عراقی آن (هورالهویزه) خواهد شد. علاوه بر این، بهره‌برداری از سد ایلیسو، باعث کاهش کیفیت آب رودخانه دجله^۳ و به تبع آن اروندرود و کارون می‌گردد و برگشت آب شور به داخل اروندرود و کارون افزایش خواهد یافت. تغییرات ناشی از بهره‌برداری از سد ایلیسو منجر به تغییر در خط تالوگ اروندرود می‌شود و بر هزینه نگهداری آن تأثیر خواهد داشت؛ اما آنچه بیش از این مسائل اهمیت دارد این است که کانون‌های ایجاد ریزگردها در ایران که در مناطق شمال غرب عراق در مرز سوریه، غرب عراق در مرز اردن و هور مرکزی عراق واقع شده‌اند با تأثیرات منفی ناشی از کاهش آب دریافتی به افزایش کانون‌های ایجاد ریزگردها و بیابان‌زایی منتهی خواهند شد. اگرچه هورالعظیم تاکنون منشأ ایجاد ریزگردها نبوده است اما تالاب هورالهویزه نقش مهمی در این زمینه ایفا نموده است.

۱. در سایت وزارت امور خارجه دولت ترکیه در ارتباط با این ادعا چنین توضیح داده شده است: «تعداد کل افرادی که باید اسکان مجدد یابند حدود ۱۵۰۰۰ نفر است؛ این به معنای حدود ۲۰۰۰ خانواده است. برنامه جامعی در مورد سکونت و جبران خسارت طراحی شده است. به آن‌ها حق انتخاب بین استقرار در سکونت‌گاه کشاورزی یا شهری داده خواهد شد. برخلاف ادعاهای مشخص از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد مردمانی از نژادهای مختلف در این منطقه سکونت دارند.» {البته آمارهای غیررسمی دیگری نظیر، ۴۳۷۳۳ نفر، ۵۵۲۱۷ نفر و ۷۱۱۸۶ نفر نیز ذکر شده است.} <http://www.mfa.gov.tr/ilisu-dam.en.mfa> > Last Consulted: January 19, 2018.

۲. در سایت وزارت امور خارجه دولت ترکیه در ارتباط با این ادعا چنین توضیح داده شده است: «سد ایلیسو تنها برای آبیاری طراحی نشده است بلکه برای تولید برق احداث شده است؛ آبی که از توربین‌ها عبور می‌کند، به بستر رود بازمی‌گردد سد ایلیسو به‌عنوان تنظیم‌کننده وقفه آب در خلال جریان‌های زمستانی و رها کردن آن در خلال خشک‌سالی تابستان، عمل می‌کند.» <http://www.mfa.gov.tr/ilisu-dam.en.mfa> > Last Consulted: January 19, 2018.

۳. در سایت وزارت امور خارجه دولت ترکیه در ارتباط با این ادعا چنین توضیح داده شده است: «سد ایلیسو مربوط به آبیاری نمی‌شود. در نتیجه احداث سد ایلیسو عملیات تسهیلات فاضلاب در قسمت بالای رود در شهرها ایجاد می‌شود که در نتیجه کیفیت آب را افزایش می‌دهد.» <http://www.mfa.gov.tr/ilisu-dam.en.mfa> > Last Consulted: January 19, 2018.

۳. حقوق بین‌الملل آب و بهره‌برداری از سد ایلیسو

کل ۲۶۴ حوضه رودخانه‌ای بزرگ جهان در بین بیش از یک کشور مشترک هستند، این واقعیت مستلزم آن است که باید مکانیسم‌هایی برای تضمین همکاری در مدیریت این آب‌ها تعبیه شود. بدین منظور نیازمند ایجاد یک چارچوب حقوقی برای حاکمیت بر همکاری دولت‌ها هستیم. بدون وجود چنین چارچوبی، رقابت بر سر آب می‌تواند در نهایت منجر به درگیری‌های شدید شود (Dellapena, 2001: 256). حقوق بین‌الملل در زمینه مدیریت و بهره‌برداری از آب رودخانه‌های بین‌المللی دربردارنده هنجارهایی است که در عملکرد دولت‌ها، رویه قضائی و دکترین، به کرسی تائید نشسته است و نظام حقوقی کنونی حاکم بر رودخانه‌های بین‌المللی را ایجاد نموده است. بنابراین، باید بررسی شود که این نظام حاکم تا چه حدودی ناظر بر بهره‌برداری از سد ایلیسو خواهد بود.

۳-۱. دیدگاه‌های حقوقی مرتبط با مدیریت و بهره‌برداری از رودخانه‌های بین‌المللی

آب یکی از منابع کره زمین است که به میزان بسیار گسترده‌ای تقسیم شده است. رودخانه‌ها اغلب مرز بین کشورها را تشکیل می‌دهند یا در میان کشورهای مختلف جریان دارند (کور کولا سوریا و رابینسون، ۱۳۹۰: ۶۲۹). دو نوع رودخانه بین‌المللی را باید از هم متمایز ساخت: رودخانه‌های مرزی یا هم‌جوار و رودخانه‌های متوالی. رودخانه‌های مرزی شامل آبراه‌هایی هستند که دو یا چند کشور را از یکدیگر جدا می‌نمایند و تمام یا قسمتی از مرز دو یا چند کشور را تشکیل می‌دهند. در خصوص رودخانه‌های مرزی، مسئله تحدید حدود حائز کمال اهمیت است. در مورد رودخانه‌های مجاور، دولت‌های مربوط با سهولت بیشتر درصدد انعقاد توافق برمی‌آیند که به تقسیم منصفانه استفاده‌های مختلف رودخانه، از طریق خودمحدودسازی دوجانبه حاکمیت سرزمینی می‌انجامد (کک دین و دیگران، ۱۳۸۳: ۸۲۵). اما رودخانه‌های متوالی به آبراه‌هایی اطلاق می‌شود که از قلمروی یک یا چند کشور سرچشمه گرفته و از خاک دو یا چند کشور عبور می‌کنند. آنچه در چنین رودخانه‌هایی مورد مناقشه قرار می‌گیرد، میزان سهمیه‌بندی و حقایق دول ساحلی است.

در مورد آبراه‌های متوالی، وابستگی کشور پائین‌دست و خطر استفاده بیش‌ازحد کشور بالادست از آب اقتضا می‌کرد که با توجه به خصوصیات هر مورد مقررات جامع‌تری در نظر

گرفته شود. در بسیاری از موارد اهمیت منافع و تمایل به دوری جستن از درگیری‌های احتمالی، طرفین را وادار به تفاهم درباره شیوه سهمیه‌بندی آب نموده است. معیارهای تقسیم آب در آبراه‌های بین‌المللی شامل؛ تقسیم مساوی، تقسیم کمی و تقسیم سرزمینی بوده است. تقسیم مساوی بیشتر برای آبراه‌های مجاور مورد استفاده قرار گرفته است؛ به‌عنوان مثال در موافقت‌نامه ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ بین ایران و عراق، آب چهار آبراه کوچک بناوا، سوت‌کنگیر و قورتو که از کوه‌های زاگرس در ایران سرچشمه می‌گیرند و به سوی دجله رهسپار می‌شوند، معیار تقسیم مساوی استفاده شده است. تقسیم کمی به‌طور عمده در مورد آبراه‌های متوالی اعمال شده است اگرچه در مورد دو آبراه مرزی تجن و هیرمند نیز از آن بهره‌برده شده است. در این نوع تقسیم‌بندی، میزان مشخصی آب بر اساس متر مکعب در ثانیه به کشور هم‌جوار تحویل داده می‌شود. تقسیم سرزمینی به دو صورت مطرح می‌شود. نخست؛ کشور بالادست استفاده انحصاری از آبراه را در اختیار می‌گیرد و دوم؛ تأمین نیازهای دولت بالادست در اولویت قرار می‌گیرد (ممتاز، ۱۳۷۴: ۵۸-۵۱). رودخانه‌های خاورمیانه نسبت به رودخانه‌های مناطق دیگر تا حدودی غیرعادی هستند. بدین معنی که آن‌ها از مناطق پرآب سرچشمه می‌گیرند و قبل از رسیدن به دریا، یا فرورفتن در بعضی قلمروهای داخلی کشورها در منطقه‌ای خشک، درجایی که آب زیادی وجود ندارد تا به آن‌ها افزوده شود، جریان یافته، حجم آن‌ها از طریق فرورفتن سطحی و تدریجی در زمین و نیز تبخیر، کاهش می‌یابد. چنین وضعیتی طبیعتاً کاهش آب را به دنبال داشته و باوجود فقدان برنامه‌ریزی و احیاناً نبود یا کمبود تکنیک‌های خاص، مسائل اقتصادی و سیاسی ویژه‌ای را به دنبال خواهد داشت (موسوی، ۱۳۸۹: ۲۰).

در آموزه‌های علمای حقوق بین‌الملل در زمینه صلاحیت دولت‌ها نسبت به رودخانه‌های بین‌المللی ۴ دیدگاه عمده مطرح شده است که در این قسمت به‌اختصار به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱-۳. اصل حاکمیت سرزمینی مطلق^۱

این اصل نخستین بار در سال ۱۸۹۵ توسط جودسون هارمون^۲ دادستان کل ایالات متحده

1. Absolute Territorial Sovereignty.
2. Judson Harmon.

و در قالب دکترین هارمون بدین شرح مطرح گردید: «در حقوق بین‌الملل هیچ وظیفه یا تعهدی نسبت به هیچ دولتی برای محدود نمودن استفاده از آب‌های واقع در قلمروی سرزمینی آن‌ها برای انطباق با نیازهای دولت دیگر وجود ندارد. صلاحیت و کنترل یک دولت نسبت به آب‌های یک رودخانه بین‌المللی در تمام سرزمین آن، انحصاری است» (Austin, 1959: 393). به‌موجب این اصل، آن قسمت از رود بین‌المللی که در سرزمین دو کشور جریان دارد به‌عنوان آب‌های داخلی تلقی می‌شود و دولت مذکور می‌تواند جریان آب را منحرف سازد یا به هر صورت که ضروری بداند در رودخانه دخالت نماید. این اصل برخلاف عدالت و انصاف بوده و به همین جهت مورد انتقاد حقوق‌دانان قرار گرفته است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۷۳).

این دیدگاه از سوی برخی از حقوق‌دانان بین‌المللی آن زمان نظیر بریگز و کلابر، مورد حمایت قرار گرفت. بریگز خاطر نشان می‌کند: «رودخانه‌های ملی و رودخانه‌های بین‌المللی که در قلمروی سرزمینی ملی واقع شده‌اند تحت کنترل انحصاری دولت سرزمینی هستند.» (Briggs, 1952: 274). کلابر معتقد است: «استقلال دولت‌ها به‌طور ویژه با استفاده آزاد و انحصاری از حق آن‌ها نسبت به تمام آب‌های واقع در سرزمین آن‌ها، مشخص می‌شود». دولت‌های بالادستی در ابتدا از این رویکرد حمایت می‌کردند، اما این اصل نتیجه‌ای جز اختلاف میان دول ساحلی و از بین رفتن آبراه فرامرزی نخواهد داشت. قبول چنین نظر افراطی مستلزم آن است که برای کشور بالادست حقی انحصاری در بهره‌برداری از آبراه در حال گذر از سرزمین آن بشناسیم و شناسایی چنین حقی به زیان کشور پائین‌دست، تمام خواهد شد (ممتاز، ۱۳۷۴: ۸۰-۷۹).

۲-۱-۳. اصل تمامت ارضی مطلق^۱

در چارچوب این نظریه، کشورهای پائین دست حق تقاضای یک جریان طبیعی آب از لحاظ سرعت و کیفیت را از کشورهای بالادست، دارا می‌باشند. این اصل در تضاد کامل با اصل دکترین هارمون است، چراکه نیازمند توافق قبلی کشورهای پائین دست برای هرگونه تغییر در رژیم آبراه بین‌المللی می‌باشد (شیرازیان و خطیبی، ۱۳۹۴: ۷۷-۷۶). اوپنهایم در این مورد می‌نویسد: «تغییر دادن جریان آب‌های مشترک تحت اختیار یکی از دول مجاور آب

1. Absolute Integrity of Watercourse.

نیست. زیرا این یک قاعده حقوق بین الملل است که هیچ دولتی نمی تواند وضع طبیعی کشور خود را به نحوی تغییر دهد که موجب زیان کشور مجاور شود» (Oppenheim, 1955: 474). دولت های پائین دستی در ابتدا از این رویکرد حمایت می کردند (Dellapena, 2001: 269) اما در هیچ اختلافی اصل مذکور برای حل اختلاف مورد استناد قرار نگرفته است بلکه تنها در سال ۱۹۲۵ در خصوص اختلاف بین مصر و سودان در ارتباط با رودخانه نیل، این اصل مورد اشاره قرار گرفته است.

۳-۱-۳. اصل استفاده مشترک از آب ها^۱

به موجب این اصل، کشورهایی که در ساحل یک رودخانه بین المللی واقع شده اند نسبت به آن رودخانه دارای حق حاکمیت مشترک هستند. به عبارت دیگر، تمام کشورهای مذکور می توانند از آب رودخانه به طور متساوی استفاده کنند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۷۵). این اصل معتقد به ایجاد یک مکانیسم بین المللی برای تدوین و اجرایی کردن سیاست های مشترک مدیریتی، حفاظتی و توسعه حوضه آبریز است. این مدیریت مشترک می تواند از طریق یک معاهده ایجاد گردد و این اصل بیشتر یک رویکرد مدیریتی برای مشکلات و مسائل آب است تا یک اصل هنجاری حقوق بین الملل (شیرازیان و خطیبی، ۱۳۹۴: ۷۸). این اصل درجایی استفاده می شود که رودخانه به عنوان یک واحد اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. صرف نظر از توجه به مرز بین آن کشورها، آب های یک رودخانه یا به صورت اشتراکی و کلی یا تقسیم بندی بین دولت های ذیربط به موجب موافقت نامه ای واگذار می شود. یکی از نمونه هایی که از این رهیافت استفاده شده، معاهده بین ترکیه و اتحاد جماهیر شوروی سابق است که برای ساختن مشترک یک سد بر روی رودخانه «آرپاجاهی» است که به صورت رودخانه مرزی بین دو کشور بوده است (موسوی، ۱۳۸۹: ۱۳۶-۱۳۴).

۳-۱-۴. اصل حاکمیت سرزمینی محدود^۲

به موجب این اصل، حاکمیت هر یک از کشورهای ساحلی رودخانه، با توجه به وظایفی که آن ها طبق حقوق بین الملل به عهده دارند، محدود است. به عبارت دیگر، حاکمیت هر یک

1. Community in the Waters.
2. Restricted Territorial Sovereignty.

از کشورهای ساحلی رودخانه محدود به وارد نکردن خسارت به کشور ساحلی دیگر است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۷۵). در حقیقت این نظریه مبتنی بر این فرض است که هر کشور ساحلی حق استفاده و بهره‌برداری از رودخانه‌های بین‌المللی جاری در کشور خودش را دارد، به شرطی که این استفاده سبب وارد آمدن خسارت بر قلمروی سرزمینی دولت‌ها و کشورهای دیگر نگردد. اصل مذکور بر اساس این ایده استوار است که رودخانه‌های بین‌المللی منابع مشترکی هستند که توسط آن‌ها یک «اجتماع منافع مشترک» بین تمام دول ساحلی، شکل می‌گیرد (شیرازیان و خطیبی، ۱۳۹۴: ۷۷). ایگلتون در این زمینه خاطر نشان می‌سازد: «به‌عنوان یک اصل در حقوق بین‌الملل می‌توان گفت درحالی که هر دولتی کنترل حاکمه‌ای در درون مرزهای خود دارد تا آنجا که به رودخانه‌های بین‌المللی مربوط می‌شود، یک دولت نمی‌تواند چنین کنترلی را بدون در نظر گرفتن آثار آن نسبت به سایر دول ساحلی، اعمال نماید» (Eagleton, 1995: 1018). هال نیز یادآور می‌شود: «هیچ دولتی مجاز نیست که وضعیت‌های طبیعی درون قلمروی سرزمینی خود را به گونه‌ای تغییر دهد که منجر به آسیب به وضعیت‌های طبیعی قلمروی سرزمینی دولت همسایه شود و این اصل نسبت به استفاده از رودخانه تا جایی که منجر به ایجاد خطر برای دولت ساحلی پائین دست خواهد شد نیز اعمال می‌شود» (Hall, 1924: 175). فوشی عقیده دارد: «کشور ساحلی نمی‌تواند به اقدامی مبادرت کند که منجر به تغییر مسیر رود گردد و یا در جریان آزاد آب رودخانه مانعی به وجود آورد» (Van Alostine, 1960: 604). هرش لاتریاخت اظهار می‌دارد: «جریان رودهای بین‌المللی تحت تسلط و اختیار دلخواه هیچ‌یک از دولت‌های ساحلی رودخانه نیست و بر اساس اصول حقوق بین‌الملل، هیچ دولتی اجازه ندارد که وضع طبیعی سرزمین خود را به زیان وضع طبیعی سرزمین دولت همسایه تغییر دهد. به این دلیل، دولت‌ها نه تنها از متوقف ساختن یا تغییر مسیر رودی که از سرزمین آن‌ها به اراضی دولت همسایه جاری است، مجاز نیستند بلکه استفاده از آب آن به نحوی که برای دولت هم‌جوار زیان داشته باشد یا مانع بهره‌برداری رودخانه شود، غیر مشروع است» (Oppenheim, 1955: 474). حقوق‌دانان بین‌المللی دیگری نظیر بریرلی نیز از حامیان چنین دیدگاهی هستند (Brierly, 1955: 205).

آموزه‌های علمای حقوق بین‌الملل مؤید حمایت از اصل حاکمیت محدود است و تأکید دارد که امروزه این اصل در زمره یکی از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی است. در تحقیقی که

توسط کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا در خصوص نظرات ۷۵ حقوقدان بین‌المللی انجام گرفت، تنها ۴ نفر از آن‌ها از اصل حاکمیت مطلق جانبداری نموده بودند.^۱ تحقیقی که به‌طور مشابه توسط قاضی شوبل انجام شده است نیز چنین نتیجه‌ای را تأیید می‌کند.^۲ همچنین در اجلاس سال ۱۹۵۶ انجمن حقوق بین‌الملل در دوبروونیک قطعنامه‌ای صادر شد که مواد ۳ تا ۵ آن اصل را مورد تأیید قرار داد. نهادهای بین‌المللی خصوصی از جمله کمیسیون حقوقی مشورتی آسیایی-آفریقایی در سال ۱۹۷۴ و کانون وکلا کشورهای آمریکایی در اجلاس سالزبورگ ۱۹۵۷ نیز، اصل حاکمیت محدود را در بررسی‌های خود در مورد آبراه‌های بین‌المللی، مورد تأیید قرار داده‌اند.^۳

اصل مورد نظر در موافقت‌نامه‌های متعدد منعقد شده بین دولت‌ها نیز به کرسی تأیید نشسته است.^۴ در رویه قضایی هم اصل استفاده مشترک و محدودیت استفاده از آب‌ها مورد تأیید قرار گرفته است. محاکم ایالات متحده در موارد متعددی به این اصل استناد جسته‌اند.^۵

۱. برای مطالعه کامل این تحقیق ر.ک:

Report of the UN Commission for Europe, Legal aspects of hydro-electric development of rivers and lakes of common interests, UN Doc. E/ECE/136 (1952) (ECE Report).

۲. برای مطالعه کامل این تحقیق ر.ک:

Schwebel, S. (1982), Third Report on the Law of Non-navigational Uses of International Watercourses, UN Doc. A/CN.4/348 (1982) Yearbook of International Law Commission, Vol. 2, pt. 2, pp.65-197.

۳. برای مطالعه تفصیلی ر.ک:

Asian-African legal consultative Commission, Report of the Fourteenth Session, (1974); Inter-American Bar Ass'n 'Resolution on principles of law governing the uses of international rivers and lakes; Utilization on non-maritime international waters (Except for navigation)' (Salzburg resolution) Annuaire de l'institute de droit international, Vol. 40, (1961).

۴. از جمله این موافقت‌نامه‌ها می‌توان به: معاهده ۲۶ ژوئن ۱۸۱۶ بین هلند و پروس، معاهده ۸ اوت ۱۸۴۳ بین بلژیک و هلند، معاهده ۲۶ اکتبر ۱۹۰۵ بین سوئد و نروژ، معاهده ۱۷ دسامبر ۱۹۱۴ بین فرانسه و ایتالیا، معاهده ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۵ بین فرانسه و هلند، معاهده ۲۸ اکتبر ۱۹۲۲ بین فنلاند و روسیه، معاهده ۱۴ اوت ۱۹۲۵ بین آلمان و فرانسه، معاهده ۱۲ دسامبر ۱۹۲۸ بین اتریش و چکسلواکی سابق، معاهده ۱۵ ژوئیه ۱۹۳۰ بین رومانی و چکسلواکی سابق، معاهده ۲۰ دسامبر ۱۹۳۳ بین برزیل و اروگوئه، معاهده ۳ فوریه ۱۹۴۴ بین ایالات متحده و مکزیک، معاهده ۱۹ سپتامبر ۱۹۶۰ بین هند و پاکستان، معاهده ۱۷ ژانویه ۱۹۶۱ بین ایالات متحده و مکزیک، اشاره نمود. همچنین، ماده ۴ کنوانسیون ژنو ۱۹۲۳ در مورد توسعه نیروی آبرسانی که بر بیش از یک کشور اثر می‌گذارد نیز اصل حاکمیت محدود بر آب‌ها را مورد تأیید خود قرار داده‌اند.

5. Texas v. New Mexico, 482 US 124 (1987); Kansas v. Colorado, 475 US, 1079 (1986); Colorado v. New Mexico, 467 US 310 (1984); Wisconsin v. Illinois, 388 US 426 (1967); Arizona v. California, 373 US 546 (1963); Texas v. New Mexico, 352 U. 991 (1957); New Jersey v. New York, 345 US 369 (1953); Nebraska v. Wyoming, 325 US 589 (1945); Colorado v. Kansas, 320 US 383 (1943); Wyoming v. Colorado, 309 US 572 (1940); Washington v. Oregon, 297 US 517 (1936); Nebraska v. Wyoming, 295 US 40 (1935); Arizona v. California, 283 US 423 (1931); New Jersey v. New York, 283 US 336 (1931); Connecticut v. Massachusetts, 282 US 660 (1931);

دادگاه تجدیدنظر ایتالیا در قضیه رودخانه رویا اختلاف بین فرانسه و ایتالیا^۱، دیوان عالی فدرال سوئیس در قضیه اختلاف بین کانتون زوریخ و کانتون آرگوا (Aaruga v. Zurich, 1878)، دیوان عالی آلمان در قضیه اختلاف بین ایالت ورتمبرگ و ایالت بادن^۲، به این اصل اشاره داشته‌اند. در قضیه کمیسیون بین‌المللی رودخانه ادر، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی اشعار داشته است: «در خصوص رودخانه منفردی که از مرز یک یا چند کشور عبور می‌کند یا مرز دو یا چند کشور را از هم جدا می‌کند، برای امکان اجرای شرایط عدالت و لحاظ نمودن امکان بهره‌برداری از آن، راه‌حل مسئله حق عبور به نفع کشورهای بالادست نیست؛ بلکه در اشتراک منافع آبراهی است. این اشتراک منفعت در یک رودخانه قابل کشتیرانی پایه و اساس یک حق قانونی مشترک را تشکیل می‌دهد که اساسی‌ترین ویژگی آن تساوی کامل کلیه کشورهای آبراهی در استفاده از کل جریان رودخانه و کنار نهادن هرگونه امتیاز یا برتری هر یک از کشورهای آبراهی نسبت به کشورهای دیگر است» (PCIJ, 1929, Ser.A, No.23, at.27). داوری بین اسپانیا و فرانسه در قضیه دریاچه لانو نیز تأییدی بر اصل حاکمیت محدود است. در این رأی اشاره شده است: «از طرف دیگر در هر نوع عملیات به‌منظور انحراف آب و یا هرگونه بهره‌برداری که ممکن است منافع کشور آبراهی دیگر را تحت تأثیر قرار دهد، مذاکرات با حسن نیت جهت نیل به یک توافق، شرط ضروری است. فرانسه می‌تواند حق خود را اعمال کند ولی نمی‌تواند منافع اسپانیا را نادیده بگیرد... اسپانیا می‌تواند رعایت حقوق و ملاحظه منافع خود را طلب کند» (Lac Lanoux Arbitration (France v. Spain), 1957). همچنین در قضیه رودخانه زارومیلا اختلاف بین پرو و اکوادور، اصل حاکمیت محدود مورد تأیید قرار گرفته است (Zarumila River Case (Ecuador v. Peru), 1945).

۲-۳. مفاد اسناد بین‌المللی در زمینه مدیریت و بهره‌برداری از رودخانه‌های بین‌المللی

به دنبال افزایش تقاضای آب در ابتدای قرن نوزدهم، چارچوب حقوقی مربوط به استفاده‌های غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی توسعه روزافزون خود را آغاز نمود. رویه

Wisconsin v. Illinois, 281 US 179 (1930); Wyoming v. Colorado, 259 US 419 (1922); Kansas v. Colorado, 206 US 46 (1907); Missouri v. Illinois, 200 US 496 (1906).

1. Société Energie Electricique du Littoral Méditerranéen v. Compagnia Imprese Elettriche Liquri, Italian Court of Cassation, 1939.

2. Wurttemberg and Prussia v. Baden, 1927, German Staatsgerichtshof, 116AP.

دولت‌هایی که منابع آب شرب مشترک داشتند منجر به وضع قواعد کلی و اصول مربوط به کاربردهای غیردریانوردی آبراه‌های بین‌المللی شده است. موسسه حقوق بین‌الملل، انجمن حقوق بین‌الملل و کمیسیون حقوق بین‌الملل در تدوین این حوزه، نقش مهمی ایفا نموده‌اند (Kirschner & Tiroch, 2012: 339). یکی از اولین توافق‌نامه‌های اروپایی مرتبط با منابع مشترک آبی، قانون نهایی کنگره وین ۱۸۱۵ است. ماده ۱۰۸ این قانون تصریح کرده بود آزادی دریانوردی در همه رودخانه‌های قابل دریانوردی وجود داشته باشد.

در اعلامیه مادرید ۱۹۱۱ موسسه حقوق بین‌الملل خاطر نشان شده است: «هیچ دولتی حق ندارد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط اشخاص یا شرکت‌ها در سرزمین خود به نحوی از آب رودخانه بهره‌برداری نماید که به بهره‌برداری مستقیم یا غیرمستقیم دول دیگر زیان وارد آید». همچنین در این اعلامیه به ممنوعیت بستن آب به گونه‌ای که هنگام ورود به سرزمین دولت پائین دست آب به حدی پائین رفته باشد که خاصیت آبراه و قابلیت استفاده را از دست داده باشد، تأکید شده است (Institut de droit international Yearbook, 1911, Vol. 24: 365). همچنین ماده ۴ طرح موسسه حقوق بین‌الملل در اجلاس سالزبورگ اشعار می‌دارد: «یک دولت نمی‌تواند به فعالیت‌ها یا استفاده‌هایی از آبراه دست یازد که به امکان استفاده دیگر دولت‌ها از همان آب‌ها به‌طور جدی آسیب می‌رساند مگر آنکه برخورداری این دولت‌ها از امتیازات حقه آن‌ها را تضمین کند». در اعلامیه مونته‌ویدئو موسسه حقوق بین‌الملل ۱۹۳۳ نیز اشاره شده است، حق بهره‌برداری از آب رودخانه مشروط بر این است که باعث وارد آمدن خسارت به دولت ساحلی دیگر نشود.

در سال ۱۹۵۴ انجمن حقوق بین‌الملل تصمیم گرفت حقوق حاکم بر رودخانه‌های بین‌المللی را تدوین نماید و گزارش اولیه‌ای در سال ۱۹۵۸ آماده نمود. در سال ۱۹۶۶ این انجمن قطعنامه‌ای را صادر نمود که تحت عنوان «قواعد هلسینکی»^۱ به تصویب رسید. ماده ۴ این سند اشعار می‌دارد: «هر دولت مربوط به حوضه رودخانه‌ای، در محدوده قلمروی خود، نسبت به سهمی منصفانه و معقولانه در بهره‌برداری مفید از آب‌های یک حوضه رودخانه‌ای بین‌المللی استحقاق دارد». این ماده برای نخستین بار، اصل حاکمیت محدود را در قالب

1. The Helsinki Rules on the Uses of the Waters of International Rivers.

«بهره‌برداری منصفانه»^۱، تدوین نمود. ماده ۵ قواعد هلسینکی به تشریح مفهوم منصفانه و معقول اختصاص یافته است و ملاک‌های یازده گانه‌ای را در این زمینه ارائه می‌دهد؛ البته با تأکید بر اینکه این ملاک‌ها جنبه حصری ندارند. برخی از مقررات تکمیلی قواعد هلسینکی اصل مبنایی حاکم بر مدیریت منابع آبی مشترک را مطرح نموده‌اند که بر اساس آن دولت‌ها نباید باعث ایجاد خسارت عمده و اساسی به محیط زیست یا شرایط طبیعی آب‌های فرامرزی شوند (مقررات مربوط به کنترل سیل، آلودگی، کشتیرانی، حفاظت از تأسیسات آبی در خلال مخاصمات مسلحانه، مدیریت کلی محیط‌زیستی، آب‌های زیرزمینی، آلودگی‌های با منشأ مختلف و جبران خسارت). علاوه بر این، انجمن حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۸۰ در بلگراد قواعد حاکم بر رابطه بین آب، سایر منابع طبیعی و محیط زیست (قواعد بلگراد)^۲ را تصویب نمود که در ماده ۱ آن، به عدم وارد آوردن خسارت عمده و اساسی از سوی یک دولت به محیط زیست و شرایط طبیعی آب‌ها در ورای قلمروی سرزمینی، اشاره نموده است.

به دنبال پیشنهاد دولت فنلاند، مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۷۰، کمیسیون حقوق بین‌الملل را مأمور انجام مطالعه‌ای در زمینه حقوق آبراه‌های بین‌المللی با دیدگاه تدوین و توسعه تدریجی این حوزه نمود. حاصل تلاش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل تهیه پیش‌نویسی موادی بود که برای نهایی شدن به یک گروه کاری واگذار شد و در نهایت در تاریخ ۲۱ می ۱۹۹۷ کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق استفاده غیردریانوردی از آبراه‌های بین‌المللی^۳ به عنوان ضمیمه قطعنامه ۵۱/۲۲۹ مجمع عمومی ملل متحد، به تصویب رسید. این کنوانسیون از سال ۲۰۱۴ لازم‌الاجرا شده است و در حال حاضر ۳۶ دولت از جمله عراق و سوریه آن را تصویب نموده‌اند، اما دولت ترکیه از مخالفین این کنوانسیون می‌باشد و به آن نپیوسته است.

بخش دوم این کنوانسیون در مقام بیان اصول کلی حاکم بر استفاده غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی است. تعهد به استفاده از آبراه بین‌المللی به روش معقول و منصفانه که

1. Equitable Utilisation.

2. Rules on the Relationship between Water, Other Natural Resources and the Environment (Belgrade Rules).

3. United Nations Watercourses Convention (UNWC) _ The Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses.

سنگ بنای این کنوانسیون تلقی می‌شود در ماده ۵ مورد اشاره قرار گرفته است.^۱ اصل استفاده منصفانه به طور عمده با تقسیم، تخصیص یا توزیع آب بین کشورهایی که یک آبراه بین‌المللی مشترک دارند، ارتباط دارد. در ماده ۶ این کنوانسیون به عواملی اشاره می‌شود که مربوط به استفاده معقول و منصفانه^۲ از آبراه بین‌الملل است.^۳ تعهد به عدم ورود خسارت چشمگیر به سایر دول ساحلی اصل اساسی دیگری است که در ماده ۷ کنوانسیون منعکس شده است.^۴ تعهد کلی به همکاری نیز در ماده ۸ مورد تأکید قرار گرفته است.^۵ بر اساس ماده ۱۱ کنوانسیون، یک دولت ساحلی باید به موقع کشورهای دیگر را از اقدامات برنامه‌ریزی شده خود که ممکن است دارای تأثیرات نامطلوب احتمالی بر آن‌ها باشد، آگاه کند. در تفسیر این ماده آمده است که دولت ساحلی باید با دولت‌های دیگر متصل به آبراه در خصوص اقدامات برنامه‌ریزی شده مشورت و در صورت لزوم مذاکره نماید؛ اما یکی از مهم‌ترین مواد مربوط به آبراه‌های بین‌المللی در این کنوانسیون ماده ۲۷ است که تحت عنوان جلوگیری و کاهش شرایط خطرناک اشعار می‌دارد: «دول ساحلی باید به صورت انفرادی و در موارد لزوم به صورت مشترک، کلیه اقدامات لازم برای جلوگیری یا کاهش شرایط مربوط به یک آبراه بین‌المللی را که ممکن است به سایر دول متصل به آبراه آسیب برساند اعم از اینکه ناشی از

۱. بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون اشعار می‌دارد: «۱. کشورهای دارای آبراه‌ها در مناطق خود از یک آبراه بین‌المللی به روش منصفانه بهره می‌برند. به خصوص یک آبراه بین‌المللی باید توسط کشورهای دارای آبراه‌ها با دیدگاه دستیابی به استفاده پایدار و عینی مورد استفاده قرار گیرد و بهره‌مندی آن‌ها باید منافع کشورهای مربوط به آبراه را نیز در نظر بگیرد و با محافظت مناسب از آبراه‌ها سازگاری داشته باشد».

2. Equitable and Reasonable.

۳. این عوامل شامل: عوامل جغرافیایی، نقشه‌برداری از آب‌های روی زمین، هیدرولوژیکی، آب و هوایی، آب‌شناسی و دیگر عوامل با ویژگی طبیعی؛ نیازهای اجتماعی و اقتصادی کشورهای ذینفع آبراه؛ جمعیت وابسته به آبراه در هر یک از کشورهای متصل به آبراه؛ آثار استفاده یا استفاده‌های آبراه‌ها در یک کشور بر کشور دیگر متصل به آبراه؛ استفاده‌های موجود و بالقوه از آبراه؛ نگهداری، محافظت، توسعه و اقتصاد استفاده از منابع آبی متعلق به آبراه و در دسترس بودن گزینه‌ها، می‌باشند.

۴. بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون اشعار می‌دارد: «هر جا که آسیب جدی به دیگر کشور آبراهی وارد شد، دولت‌های آبراهی که موجب وارد آمده چنین خسارتی شدند باید در نبود موافقت‌نامه در این خصوص، تمامی تدابیر مورد نیاز را برای حذف و یا کاهش چنین خساراتی اتخاذ کنند و در جای مناسب در خصوص مسئله پرداخت غرامت نیز مذاکره نمایند».

۵. ماده ۸ این کنوانسیون اشعار می‌دارد: «کشورهایی که آبراه مشترک دارند باید بر اساس تساوی حاکمیت، تمامت ارضی، منافع متقابل و حسن نیت به منظور حصول بهترین استفاده و محافظت مناسب از یک آبراه بین‌المللی همکاری کنند و می‌توانند ایجاد مکانیسم‌ها یا کمیسیون‌های مشترک را برای تسهیل همکاری در مورد اقدامات مربوط برحسب تجربه به دست آمده از طریق همکاری در مکانیسم‌ها و کمیسیون‌های مشترک موجود در مناطق گوناگون بررسی کنند.»

دلایل طبیعی یا رفتار بشری باشد، همانند سیلاب‌ها، خطر یخ، بیماری‌های ناشی از آب، فرسایش، نفوذ آب شور، خشکی و بیابان‌زایی را اتخاذ نماید».

امروزه می‌توان گفت برخی از اصول مورد اشاره در این کنوانسیون از جمله؛ تعهد به استفاده از آبراه بین‌المللی به روش معقول و منصفانه (ماده ۵)^۱، تعهد به عدم ورود خسارت چشمگیر به سایر دول ساحلی (ماده ۷)^۲، تعهد کلی به همکاری (ماده ۸)^۳ و تعهد به اطلاع‌رسانی (ماده ۱۱)^۴ در زمره قواعد حقوق بین‌الملل عرفی تلقی می‌شوند و صرف‌نظر از

1. In support of the customary status of this norm see: ILC, Special Rapporteur McCaffrey, Second Report on the Law of the Non-navigational Uses of International Watercourses, Doc. A/CN.4/399 of 21 May 1986, article IV ILA Helsinki Rules, article 12 ILA Berlin Rules, article 5 Agreement on the Cooperation for the Sustainable Development of the Mekong River Basin, article 5 ILC Draft Articles on the Law of Non-navigational Uses of International Watercourses, S.C. McCaffrey, *The Law of International Watercourses*, Oxford, Oxford University Press, 2007, PP.376& 384; L. del Castillo-Laborde, "Equitable Utilization of Shared Resources", in: Wolfrum (ed.), *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*, 2012; C. Behrmann, *Das Prinzip der angemessenen und vernünftigen Nutzung und Teilhabe nach der VN-Wasserlaufkonvention*, Berlin, Duncker & Humblot GmbH 2008, PP.63-64; Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia), ICJ Reports 1997 (paras 78, 85, 147); *Affaire du Lac Lanoux* (1957), 12 RIAA, 281 (315); *Territorial Jurisdiction of the International Commission of the River Oder* (United Kingdom v. Poland) (10 September 1929), PCIJ Series A No. 23, 27; *Kansas v. Colorado*, US Supreme Court [1907] 206 US 46; *New Jersey v. New York*, US Supreme Court [1931] 283 US 336; *Colorado v. New Mexico*, US Supreme Court [1984] 467 US 310; *Land Württemberg und Land Preußen gegen das Land Baden betreffend die Donauversinkung* before the German Staatsgerichtshof (Constitutional Court of the German Reich) (18 June 1927)

2. In support of the customary status of this norm see: article 2 (1) UNECE Helsinki Convention, article 10 ILA Helsinki Rules article 16 ILA Berlin Rules, Principle 21 UN Conference on the Human Environment, Stockholm Declaration of the UN Conference on the Human Environment (16 June 1972), Doc. A/CONF.48/14/Rev. 1, 3; Principle 2 UN Conference on Environment and Development, Rio Declaration on Environment and Development (14 June 1992), Doc. A/CONF. 151/26/Rev. 1 Vol. I, 3; *Affaire du Lac Lanoux* (1957), 12 RIAA, 281 (308); *Trail Smelter* (United States of America v. Canada) (1938/41), 3 RIAA 1905, 1965; *Corfu Channel* (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania) (Merits), ICJ Reports 1949; S.C. McCaffrey, *The Law of International Watercourses*, Oxford, Oxford University Press, 2007, P. 406 et seq; O. McIntyre, *Environmental Protection of International Watercourses under International Law*, Oxford, Ashgate Publishing 2007, P. 87; D. Bodansky/ J. Brunnée/ E. Hey (eds), *The Oxford Handbook of International Environmental Law*, 2007, Oxford, Oxford University Press, P.534.

3. In support of the customary status of this norm see: ILC, Special Rapporteur McCaffrey, Second Report on the Law of the Non-navigational Uses of International Watercourses, Doc. A/CN.4/399 of 21 May 1986, paras 43 et seq; Principle 7 Rio Declaration on Environment and Development, *Affaire du Lac Lanoux* (1957), 12 RIAA, 281 (308); *Gabčíkovo-Nagymaros Project* (Hungary v. Slovakia), ICJ Reports 1997 (para.17); *Convention on Cooperation for the Protection and Sustainable Use of the Danube River*, *Convention on the Protection of the Rhine*; "International Law of Cooperation", in: Wolfrum (ed.), *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*, 2012.

4. In Support of the Customary Status of this Norm see: ILC, Special Rapporteur

تصویب یا عدم تصویب این کنوانسیون از سوی دولت‌ها، برای کلیه دولت‌ها جنبه الزام‌آور دارد. ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا می‌توان معتقد بود که دولت ترکیه با اعتراض و مخالفت نسبت به برخی از مواد این کنوانسیون، در قالب معترض مصّر^۱ ظاهر شده است و بنابراین، التزامی به قواعد حقوق بین‌الملل عرفی حاکم بر رودخانه‌های بین‌المللی که در کنوانسیون ۱۹۹۷ ملل متحد درج شده است، ندارد. در پاسخ باید گفت، اگرچه دولت ترکیه مخالفت‌هایی با مفاد کنوانسیون ۱۹۹۷ ملل متحد داشته است و اعتراض خود را نیز به برخی از مواد کنوانسیون اعلام نموده است اما در موارد متعددی وفاداری خود را به هنجارهای بنیادین حقوق بین‌الملل آب از جمله تعهد به جلوگیری از ورود خسارت و استفاده معقول و منصفانه، اظهار نموده است، بنابراین به سختی می‌توان قاعده استثنائی معترض مصّر را در مورد این دولت جاری دانست.

در سطح منطقه‌ای نیز شاهد انعقاد کنوانسیون‌هایی در خصوص آبراه‌های بین‌المللی هستیم. یکی از نمونه‌های مهم این کنوانسیون‌ها، کنوانسیون ۱۹۹۲ کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا در مورد محافظت و استفاده از آبراه‌های فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی^۲ (کنوانسیون هلسینکی) است. این کنوانسیون از سال ۱۹۹۶ لازم‌الاجرا شده است و در حال حاضر ۴۱ دولت آن را تصویب نموده‌اند. این کنوانسیون به پیشگیری، کنترل و کاهش آثار فرامرزی بر آبراه‌های بین‌المللی و دریاچه‌ها اختصاص دارد و بر اصل استفاده منطقی و منصفانه از آبراه‌های فرامرزی استوار است. ماده ۲ این کنوانسیون اشعار می‌دارد: «دول عضو باید کلیه اقدامات لازم را برای جلوگیری، کنترل و کاهش هرگونه آثار فرامرزی، اتخاذ نمایند.» از جمله اقدامات پیشنهاد شده بر اساس ماده ۲ می‌توان به: الف- اطمینان از استفاده از آب‌های

McCaffrey, Third Report on the Law of the Non-navigational Uses of International Watercourses, Doc. A/CN.4/406 of 11 December 1981, Paras. 63 et seq; Principle 19 UN Conference on Environment and Development, Rio Declaration on Environment and Development, article 14 Convention on Biological Diversity, UNTS Vol. 1760 No. 30619; articles 3 and 10 Convention on the Transboundary Effects of Industrial Accidents, ILM 31 (1992), article 6 UNECE Helsinki Convention, article 4 Revised Protocol on Shared Watercourses in the Southern African Development Community, S.C. McCaffrey, The Law of International Watercourses, Oxford, Oxford University Press, 2007, P.473.

1. Persistent Objector.

2. The Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes.

فرامرزی مطابق با مدیریت منطقی و مناسب به لحاظ اکولوژیکی؛ ب- محافظت از منابع آبی و محیط‌زیست؛ پ- اطمینان از استفاده معقول و منصفانه آب‌های فرامرزی با توجه خاص به ویژگی فرامرزی آن‌ها در فعالیت‌های دارای تأثیر فرامرزی، اشاره نمود (ماده ۳).^۱

علاوه بر این اسناد، انجمن حقوق بین‌الملل در نشست ۲۱ اوت ۲۰۰۴ در برلین «مقررات برلین در خصوص منابع آبی»^۲ مشتمل بر ۷۴ ماده در ۱۴ فصل را تصویب نمود. این مقررات در حقیقت مبین مجموعه کاملی از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی قابل اعمال در زمینه مدیریت آب‌هاست. در این مقررات اصول کلی حاکم بر مدیریت کلیه آب‌ها و همچنین مسائل مربوط به؛ آب‌های مشترک بین‌المللی، حقوق اشخاص، حفاظت از محیط‌زیست وابسته به آب، ارزیابی آثار محیط‌زیستی، وضعیت‌های فوق‌العاده نظیر سیل و خشکسالی، آب‌های زیرزمینی، کشتی‌رانی، حفاظت از آب‌ها در خلال جنگ یا مخاصمات مسلحانه، همکاری بین‌المللی، مسئولیت دولت و جبران خسارت را مطرح می‌نماید. همکاری، بهره‌برداری منصفانه و پرهیز از وارد آوردن آسیب‌های فرامرزی از مهم‌ترین اصول مورد تأکید مقررات برلین است. مقررات برلین دولت‌ها را ملزم به تضمین مشارکت افراد آسیب‌دیده در فرایند تصمیم‌گیری در خصوص مدیریت آب‌ها نموده است و از دولت‌ها می‌خواهد نهایت تلاش خود را برای مدیریت به شیوه متحد، جامع و یکپارچه در خصوص کلیه آب‌ها، به کار گیرند (مواد ۴ تا ۶).

ماده ۸ مقررات برلین اشعار می‌دارد: «دولت‌ها باید کلیه اقدامات مناسب برای جلوگیری یا به حداقل رسانیدن آسیب‌های محیط‌زیستی را اتخاذ نمایند.» در تفسیر این ماده اشاره شده است که این مقرره بیان یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی است که با مواد ۱۲ و ۱۶ ارتباط دارد. این تعهد هم شامل آسیب‌های محیط‌زیستی به آب‌های واقع در قلمروی سرزمینی یک دولت است و هم شامل آسیب‌های محیط‌زیستی که در نتیجه استفاده یک دولت از آب‌های واقع در قلمروی سرزمینی آن به سایر دولت‌ها وارد می‌شود (The Berlin Rules, Commentary on article 2). دیوان بین‌المللی دادگستری در پاراگراف ۱۴۰ رأی خود در

۱. این کنوانسیون همچنین تعهداتی را برای دول عضو در زمینه نظارت، تحقیق و توسعه، مشاوره‌ها، دستگاه‌های هشداردهنده، کمک متقابل، توافقات سازمانی، تبادل و حمایت اطلاعات و همچنین دسترسی عموم به اطلاعات، در نظر گرفته است. در بخش سوم این کنوانسیون نیز مجموعه مقررات نهادی و سازمانی دائم برای حفاظت مستمر از محیط زیست دریاچه‌ها و رودهای فرامرزی، تدوین شده است.

2. The Berlin Rules on Water Resources.

قضیه گابچیکوو- ناگی ماروس و پاراگراف ۲۹ رأی خود در قضیه مشروعیت تهدید یا کاربرد سلاح‌های هسته‌ای توسط دولت‌ها، این قاعده را مورد شناسایی و تأیید قرار داده است. ماده ۱۱ مقررات برلین بر لزوم همکاری با حسن نیت دول حوضه رودخانه در مدیریت آب‌های بین‌المللی در جهت بهره‌مندی متقابل دولت‌های سهم در آن حوضه، تأکید نموده است.

ماده ۱۲ مقررات برلین حائز کمال اهمیت است و در بند ۱ اشعار می‌دارد: «دول حوضه رودخانه باید در سرزمین خود آب‌های یک رودخانه بین‌المللی را به شیوه‌ای منصفانه و معقول مدیریت نماید با توجه کافی به تعهد به عدم ایجاد خسارت عمده به سایر دول حوضه رودخانه.» در مقررات برلین نیز ملاک‌های ۹ گانه‌ای برای مدیریت منصفانه و معقول ارائه شده است البته با تأکید بر اینکه این ملاک‌ها جنبه حصری ندارند (ماده ۱۳). ماده ۱۶ مقررات برلین نیز اعلام می‌دارد: «دول حوضه رودخانه در مدیریت آب‌های بین‌المللی باید در قلمروی سرزمینی خود از افعال و ترک فعل‌هایی که موجب آسیب عمده به دیگر دول حوضه رودخانه می‌شوند با توجه کافی به حق هر یک از آن‌ها به استفاده منصفانه و معقول از آب‌ها، پرهیز و جلوگیری نمایند.» این یک قاعده اساسی حقوق بین‌الملل عرفی است که از اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین در حقوق بین‌الملل محیط زیست سرچشمه می‌گیرد.

ماده ۲۱ مقررات برلین بر لزوم جبران خسارت ناشی از طرح‌ها یا اقدامات مرتبط با آب‌های بین‌المللی اشاره نموده است. همچنین بند ۱ ماده ۳۲ مقررات برلین اشعار می‌دارد: «دولت‌ها باید کلیه اقدامات مقتضی را به منظور جلوگیری، کاهش، حذف یا کنترل کلیه شرایط آب‌ها اعم از اینکه ناشی از رفتار انسانی باشد یا غیر از آن، که خطر عمده‌ای برای: الف- حیات یا سلامت بشری؛ ب- آسیب به اموال؛ و یا پ- آسیب محیط‌زیستی، اتخاذ نمایند.»

بنابراین، در مجموع از مفاد اسناد بین‌المللی مرتبط با مدیریت و بهره‌برداری از رودخانه‌های بین‌المللی می‌توان هنجارهای بنیادینی را استخراج نمود که در زمره قواعد حقوق بین‌الملل عرفی برای کلیه دولت‌ها جنبه الزام‌آور پیدا نموده‌اند. اصل حاکمیت محدود بر آب‌ها که امروزه و با تکامل تدریجی تحت عنوان «بهره‌برداری معقول و منصفانه» از آن یاد می‌شود. اصل عدم ورود خسارت عمده و اساسی به دول ساحلی دیگر از سوی هر یک از دولت‌هایی که رودخانه

بین‌المللی از قلمروی سرزمینی آن‌ها عبور می‌کند؛ اصل اطلاع‌رسانی و همکاری با حسن نیت در زمره این هنجارها قرار دارد. براین اساس، اگر دولتی در نظر داشته باشد که طرح‌های جدیدی را در رودخانه به اجرا بگذارد و یا تغییری در آن بدهد که به زیان دولت‌های دیگر باشد، باید قبلاً با آن دولت‌ها مذاکره کرده و موافقت آن‌ها را جلب نماید.

نتیجه‌گیری

امروزه بسیاری از دولت‌ها در راستای توسعه اقتصادی، کشاورزی و تأمین آب و برق مورد نیاز خود، طرح‌های کلان سدسازی را به‌عنوان یکی از راهبردهای اجرایی مؤثر قلمداد می‌نمایند. هرزمان کشورهای واقع در قسمت بالای رودخانه‌های بین‌المللی، تصمیم به اجرای طرح‌های ذخیره‌سازی آبی نمایند که بر جریان آب ورودی به کشورهای پائین دست رودخانه، تأثیر کاهشی داشته باشد، وقوع تنش امری اجتناب‌ناپذیر است. در صورتی که کاهش جریان ورودی آب به دولت‌های پائین دست رودخانه، آثار مخرب و جدی برای سایر کشورها به همراه داشته باشد، رعایت قواعد حقوق بین‌الملل در این زمینه، از سوی دولت بالادستی در جلوگیری و کاهش آسیب‌ها و خسارات احتمالی، نقشی بسیار مهم ایفا خواهد نمود.

دولت ترکیه از دهه ۴۰ میلادی، طراحی و بهره‌برداری از مجموعه‌ای از سدها و نیروگاه‌های برق آبی را در قالب پروژه آناتولی جنوب شرقی، در دستور کار خود قرار داده است. سد ایلیسو در نزدیکی مرز این دولت با سوریه با حجم ذخیره حدود ۱۰/۵ میلیارد متر مکعب، یکی از این سدهاست که عملیات اجرایی آن بر روی رود دجله، در سال ۲۰۰۶ آغاز شده است. بهره‌برداری از این سد سبب خواهد شد که جریان آب ورودی به عراق از ترکیه از طریق دجله، کاهش یابد. آنچه در این میان، برای کشور ما ایجاد نگرانی خواهد نمود؛ این است که کانون‌های عمده ریزگردها در ایران که در مناطق شمال غرب عراق در مرز سوریه، غرب عراق در مرز اردن و هور مرکزی عراق واقع شده‌اند؛ با تأثیرات منفی ناشی از کاهش آب دریافتی به گسترش کانون‌های ایجاد ریزگردها و بیابان‌زایی منتهی خواهند شد. این امر که به صورت غیرمستقیم، بروز پدیده ریزگردها در ایران را تشدید خواهد نمود، اهمیت رعایت دقیق موازین حقوق بین‌الملل مرتبط از سوی دولت ترکیه در بهره‌برداری از

این سد را، دوچندان نموده است.

اگرچه دولت ترکیه در قلمروی سرزمینی و درون مرزهای خود نسبت به رودخانه‌ها از حاکمیت برخوردار است اما در چارچوب قواعد حاکم بر حقوق بین‌الملل آب، بهره‌برداری و مدیریت آب رودخانه‌های بین‌المللی تابع هنجارهایی است که در عملکرد دولت‌ها، رویه قضایی و دکتترین به کرسی تأیید نشسته است و برای این دولت محدودیت‌های مشخصی ایجاد می‌نماید. استفاده معقول و منصفانه از رودخانه‌های بین‌المللی، عدم ورود خسارت عمده و اساسی به سایر دول ساحلی، اتخاذ کلیه اقدامات مقتضی به منظور جلوگیری از به حداقل رساندن آسیب‌های محیط‌زیستی از جمله مهم‌ترین تعهدات بین‌المللی در این زمینه است.

منابع

الف- فارسی

کتاب‌ها

- کک‌دین، نگوین، پاتریک دیبه و آلن پله، (۱۳۸۳)، حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه حسن حبیبی، چاپ دوم، جلد دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- کوروکولاسوریا، لال و نیکلاس رابینسون، (۱۳۹۰)، مبانی حقوق بین‌الملل محیط زیست، ترجمه محمد مهدی حسینی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- موسوی، فضل‌الله، (۱۳۸۹)، حقوق رودخانه‌های بین‌المللی با تاکید بر حوزه‌های اردن و لیبانی و مدیریت و برنامه‌ریزی آب‌ها، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.

مقاله‌ها

- شیرازیان، شیرین و عطیه خطیبی، (۱۳۹۴)، «حقوق بهره‌برداری غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی با نگاه به توسعه پایدار»، مجله پایدرای، توسعه و محیط‌زیست، زمستان، دوره ۲، شماره ۴.
- ممتاز، جمشید، (۱۳۷۴)، «نظام حقوقی منابع آب آبراه‌های بین‌المللی خاورمیانه»، مجله حقوقی بین‌المللی، پائیز و زمستان، دوره ۱۳، شماره ۱۸ و ۱۹.
- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۸)، «استفاده از منابع آب رودهای مرزی ایران و عراق و حقوق بین‌الملل»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، تابستان، دوره ۱۱، شماره ۲۶.

ب- انگلیسی

Books

- Briery, James Leslie, (1955), The Law of Nations: An Introduction to the International Law of Peace, UK: Clarendon Press.
- Briggs, Herbert Whittaker, (1952), The Law of Nations, USA: Appleton-Century-Crofts.
- Hall, William Edward, M.A. (1924), A Treatise on International Law, 8th Edition. Edited by A. Pearce Higgins, New York, Oxford University Press.
- Kolars J.F., W.A. Mitchell, (1991), The Euphrates River and the Southeast Anatolia Development Project, Carbondale (États-Unis): Southern

Illinois University Press.

- McCaffrey, Stephen C, (2007), *The Law of International Watercourses*, Oxford: Oxford University Press.

- Oppenheim, Lassa, (1955), *International Law*, London: Longmans, Green & Co.

- Swain, Ashok, (2004), *Managing Water Conflict: Asia, Africa and the Middle East, USA and Canada*: Routledge.

Articles

- Austin, Jacob, (1959), "Canadian-United States Practice and Theory Respecting International Law of International Rivers: A Study of the History and Influence of the Harmon Doctrine", *Canadian Bar Review*, No.37.

- Dellapenna, Joseph W. (2001), "The Customary International Law of Transboundary Fresh Waters", *International Journal of Global Environmental Issues*, Vol.1, No. 3/4.

- Eaglton, C., (1955), "The Use of the Waters of International Rivers", *Canadian Bar Review*, No.33.

- Kirschner, J and Katrin Tiroch, (2012), "The Waters of Euphrates and Tigris: An International Law Perspective", *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, Vol.16.

- Van Alstyne, William W., (1960), "International Law and Interstate River Disputes", *California Law Review*, Vol.48.

Documents and Cases

- *Aaruga v. Zurich*, 1878.

- *Case Concerning the Territorial Jurisdiction of the International Commission of the River Oder*, PCIJ, 1929, Ser.A, No.23.

- *Joint Minutes Concerning the Provisional Division of the Waters of the Euphrates River*, 1990.

- *Lac Lanoux Arbitration (France v. Spain)*, 1957.

- Protocol on Matters Pertaining to Economic Cooperation between Turkey and the Syrian Arab Republic, 1987.
- Rules on the Relationship between Water, Other Natural Resources and the Environment (Belgrade Rules), 1980.
- Société Energie Electricique du Littoral Méditerranéen v. Compagnia Imprese Elettriche Liquri, Italian Court of Cessation, 1939.
- The Berlin Rules on Water Resources, 2004.
- The Blue Peace, (2011), Rethinking the Middle East Waters, Strategic Foresight Group.
- The Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes.
- The Helsinki Rules on the Uses of the Waters of International Rivers, 1966.
- Treaty of Friendship and Neighbourly Relations between Iraq and Turkey, 1946.
- Treaty of Lausanne, 1923.
- UN-ESCWA and BGR (2013) Inventory of Shared Water Resources in Western Asia, United Nations Economic and Social Commission for Western Asia and Bundesanstalt für Geowissenschaften und Rohstoffe, Beirut.
- United Nations Watercourses Convention (UNWC) _ The Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses 1997.
- Wurttemberg and Prussia v. Baden, 1927, German Staatsgerichtshof, 116AP.
- Zarumila River Case (Ecuador v. Peru), 1945.